

Dorim



Handwritten text in the upper right, possibly a library or ownership mark, including the name 'مکتبہ...'.

Handwritten text in the upper left, including the name 'حضرت علامہ...'.

مؤمنین و منافقین و مدعیان هر کدام علمم خیر جمع باشند بر لایحه شریفی
ولا یسئلان جندهم فی ذنوبهم ففی حقهم ما ینزلون و ما فی حقهم من قول
و غیر منقول صلاطین از نقد و حسن و مطابقت و خانه جمیع اینها است
مصلحتی به سزا و اولاد خود یا هر چه جدید الاسم در در لغت و لغت معانی
و یکا و دو و سه بر سه صد یا نقد و صد درم اندم شرح شده است خود را

Handwritten text in the middle right, including the name 'مکتبہ...'.

بهار و ظهر و غیره و غیره نام مبارک نمند در مقام حاجت محبت
و غیره نام مبارک نمند در مقام حاجت محبت
و غیره نام مبارک نمند در مقام حاجت محبت

Handwritten text in the lower right, including the name 'مکتبہ...'.

موضوع: استشهاد بر مصالحه مایملک موسی یهودی به ۳ فرزند پسرش

تاریخ: ندارد

۱/ [هو]

۲/ استشهاد و استعمال و استفهام و استخبار می‌شود، از عالی‌جنابون علماء عظام و حضرات ۳/ مؤمنین و مقدّسین و متدینین که هر کدام علیم و خبیر بوده باشند بر آنکه موسی یهودی ۴/ ولد سلیمان چند سال قبل از وفات خود کلّ مایملک و مایفرق خود را از منقول ۵/ و غیرمنقول **کلّما طرد** از نقد و جنس و مطالبات و خانه، جمیعاً آنچه را مالک بوده ۶/ مصالحه نموده به ۳سه اولاد خود، یکی محمدعلی جدید الاسلام که در آن وقت مسمی بود به عاشر ۷/ و یکی داود و یکی مؤیر به صد دینار نقد و صد درم گندم، شرح شهادت خود را در ۸/ حواشی و ظهر قلمی نموده و مختوم به خاتم مبارک نموده تا در مقام حاجت حجت بوده باشد.

[سجلات]

۱. اقل الحاج محمد ابراهیم تبریزی / شهادت دارم که موسی یهودی مصالحه‌نامه‌چہ / مضبوط که مؤخف خود را مصالحه کرده / بود به ۳ سه نفر اولاد ذکور کوچکش که آن ۳ سه / عاشر و داود و معیر بوده باشند.

[مهر]: العبد ** ابراهیم **

۲. حقیر کثیر التّقصیر صلحنامه‌چہ از موسی یهودی / دیدم که آنچه از مخلفات و متروکات / که داشت مصالحه کرده بود به صغار خود و اختیار فسخ گزارده بود به أمهار شریفه متشرعین / و مدتی در نزد حقیر بود

[مهر]: عبده محمد مهدی الحسینی

۳. این کمترین محمد ابراهیم ولد مرحوم آقا ** عباس شعریاف / مطلع می‌باشم که در حیات موسی یهودی شنیدم / از لفظ موسی که آنچه اموال داشتم چه از / نقد و چه از خانه و چه از هر چیزی که مالک / هستم مصالحه نمودم به عاشر که الحال ** / مسلمان هست و داوود و مؤیر و صلح نامه / نوشته و کل مجتهدین مزین نمودند / و الحال احدی را حقّی و بهری نیست و ما شهدنا الا بما علّمنا

[مهر]: ** ابراهیم

۴. این غریق بحر / معاصی محمد مؤمن بن محمد مهدی الهزیدی / الاصبهانی
مطلع می‌باشم که موشی / چندین سال قبل از فوت خود کل اموال / خود را مصالحه
نموده به ولد خود عاشر که حال / مسمی به محمد علی می‌باشد و دو برادر دیگرش
و صلح‌نامه آن به خط این احقر عباد می‌باشد / و صیغه جاری شد و جمعی از
اعاظم مزین نمودند / و ما شهدنا الا بما علمنا

[مهر]: عبده محمد مؤمن